

### صحنه شکوهمندِ لطافت

فصل مشترک زندگی همه انسان‌های معنوی، لطافت روح آنهاست. گویی که انسان هرچه انسان‌تر می‌شود، احساساتش لطیف‌تر و شفاف‌تر می‌شود. در این بخش گذری کوتاه می‌کنیم به لحظه‌های ناب نمایش لطافت در زندگی خانوادگی سه نفر از الگوهای معنوی دوران ما.

**بی‌تابی در فراق همسر**  
علامه طباطبایی عاشق همسرش بود. می‌گفت بدون کمک‌های همسرش به جایی نمی‌رسید. سفر که می‌رفت خانم هم باید همراهش می‌بود. خجالت می‌کشید در خانه دستوری حرف بزند. خانم شان که فوت شد گریه امانش نمی‌داد. آنقدر گریه کرد که شاگردانش گفتند آقا! ما باید درس صبر از شما بگیریم چرا اینقدر بی‌تابی می‌کنید؟ گفت: من برای محبت‌های او گریه می‌کنم. او شریک کارهای من بود. رفتن او خط بطلانی بود به زندگی خوش و آرامی که داشتم.

**هدیه ازدواج استاد**  
استاد فاطمی‌نیا که طبق نقل فرزندشان محال است همسرشان را خشک و خالی صدا کنند و حتما اسم همسرشان را با جانم و عزیزم همراه می‌کنند، در يك خاطره‌ای بیان کردند: زمانی که ازدواج کردم کادوی ازدواجم تابلویی بود که پدر با دست خود به عربی نوشته بودند با این مضمون که: بپرهیز از ظلم به کسی که باوری جز خدا ندارد. این جمله‌ای است که اباعبد... (ع) در لحظه آخر زندگی بر لب آوردند. یکی از علما وقتی این تابلو را دیدند، گفتند این را حاج آقا به خاطر همسرشان نوشته‌اند که همیشه در ذهنشان باشد چون يك زن در منزل شوهر همه داشته‌اش را می‌آورد و باید بدانیم جز خدا پناهی ندارد و نباید به این زن بگوییم بالای چشمش ابروست وگرنه مستقیم وارد جنگ با خدا شده‌ایم.

**خلوت با قبر همسر**  
فرزند علامه می‌گفت پدرم سربسفره که می‌نشست از مادرم تشکر می‌کرد و می‌گفت: «این کارها، وظیفه شما نیست، لطف شماست.» همسر علامه حسن‌زاده دیوار به دیوار منزل ایشان در روستای ایرا دفن شد. علامه گفته بودند می‌خواهم همسر در نزدیکی‌ام دفن بشود که بتوانم به او خدمت کنم. ایشان نام اتاقی را که همسرش دفن شده «بیت‌الرحمه» گذاشته یعنی «خانه مهربانی.»

### مکت

## قبلا پرداخت شده است!

شبی، پسری نزد مادرش که در آشپزخانه در حال پختن شام بود، رفت و يك برگه کاغذ را به او داد. مادر دست‌هایش را با حوله‌ای تمیز کرد و نوشته‌ها را با صدای بلند خواند. پسرش با خط بیگانه نوشته بود:

صورت‌حساب:

**کوتاه‌کردن چمن باغچه:** پنج دلار

**مرتیب‌کردن اتاق خواب:** يك دلار

**مراقبت از برادر کوچکم:** سه دلار

**بیرون بردن سطل زباله:** دودلار

**نمره ریاضی خوبی که امروز گرفتم:** شش دلار

**جمع بدهی شما به من:** ۱۷ دلار

مادر لحظه‌ای به چشمان منتظر پسر نگاهي کرد، سپس قلم را برداشت و پشت برگه صورت‌حساب فرزندش این عبارت را نوشت:

بابت سختی ۹ ماه بارداری که در وجودم رشد کردی: **هیچ**

بابت تمام شب‌هایی که بر بالینت دعا کردم: **هیچ**  
برای تمام زحماتی که در این سال‌ها کشیدم تا تو بزرگ شوی: **هیچ**  
بابت غذا، نظافت‌تو و اسباب‌بازی‌هایت: **هیچ**  
و اگر همه اینها را جمع بزنی خواهی دید که هزینه عشق به تو هیچ است. وقتی که پسر آنچه‌را که مادرش نوشته بود خواند، چشمانش پر از اشک شد و در حالی که به چشمان مادرش نگاه می‌کرد، گفت: «امامان دوستت دارم». قلم را برداشت و زیر صورت‌حساب نوشت: قبلا به طور کامل پرداخت شده.

### همسر شدن به کمک يك کتاب

کتاب «سلوک با همسر، نه حرف من، نه حرف تو، حرف خدا» از کتاب‌های مهمی است که مطالعه آن می‌تواند به بهبود روابط میان همسران کمک کند. البته هر چقدر روی جلد و پشت جلد کتاب چشم‌پج‌ر خانی که اسم نویسنده را پیدا کنی خیری نیست که نیست. ورق هم که بزنی حرف اختصاری ص –ج را می‌بینی، اگر



🔗 دکتر زهرا شریف از آن دسته استادانی است که هم طعم حوزه را

چشیدید، هم دانشگاه را. او در کنار به پایان رساندن تحصیلات سطح سه حوزوی، تحصیلات دانشگاهی خود را هم تا مقطع دکتری در رشته اخلاق اسلامی ادامه داده است. در روز تولد حضرت فاطمه(س) و روز بزرگداشت مقام مادر و زن رفتم سراغ او تا از جایگاه زن در اسلام و عرفان اسلامی حرف بزنیم. همچنین پیرا زیم به این‌که پیامبر گرامی اسلام چه جایگاهی را برای حضرت صدیقه کبری قائل بودند.

🔗 **موضوع زن در تفکر اسلامی معمولا بیشتر از نگاه فقهی و حقوقی و اجتماعی بررسی می‌شود. می‌خواهم در این گفت‌وگو از جنبه‌ای متفاوت برویم سراغ موضوع زن و ببینیم اسلام و عرفان اسلامی چه نگاهی به زن دارند.**

برای پاسخ به این سؤال ابتدا باید مقدمه‌ای را عرض کنم. متفکران و عارفان جهان اسلام معتقدند اساس خلقت هستی بر پایه محبت صورت گرفته است و تمام موجودات تجلیات حضرت حق هستند که بر اساس رحمانیت خداوند متعال به عرصه وجود قدم می‌گذارند. عرفا از زایش و خلقت موجودات بر اساس رحمت خدا تعبیر به نفس رحمانی می‌کنند. زن در نگاه عارفان مسلمان، مظهر نفس رحمانی و محل جلوه گری خدا در زایش و خلق موجودات است.

🔗 **از این کلام شما می‌خواهم گریزی بزنم به حدیث مشهور نبوی که فرمودند: از دنیای شما سه چیز نزد من محبوب گشته و یکی از آن سه چیز زن است. آیا این حدیث را می‌شود در همین چارچوب نگاه عرفانی تعبیر و تفسیر کرد؟**

قطعا همین‌گونه است. سر و راز محبتی که پیغمبر در این حدیث فرموده اند این است که زنان به دلیل لطافت و جودی شان، پیش از هر مخلوق دیگری تجلیگاه لطافت و رحمت الهی هستند از این رو محبوب حبیب خدا واقع می‌شوند که خود این هم تعبیر بلندی برای جایگاه زن است، محبوب حبیب خدا بودن. این عربی در شرح این حدیث می‌گوید برای کسی که به دنبال دیدن جمال و لطف الهی در مخلوقات است، زن بالاترین محل جلوه‌گری جمال خداست و اگر کسی این دید حقانی را به زن نداشته باشد فقط از او يك صورت بی‌روح می‌بیند.

🔗 **با این تعبیری که از مقام زن بیان کردید، جایگاه حضرت زهرا به صورت خاص در نظام خلقت و هستی چگونه است؟**

علامه حسن‌زاده‌آملی در یکی از کتاب‌های خود می‌نویسد فیض رحمت حق از مجرای يك بانو به هستی منتقل می‌شود و آن بانو حضرت صدیقه کبری فاطمه زهرا سلام... علیهاست. ببینید حضرت زهرا حبیبه رسول خدا بود، وقتی حضرت را می‌بوسیدند می‌فرمودند شمیم بهشت را می‌شنوم، یعنی شمیم رحمت و جمال الهی را از حضرت زهرا استشمام می‌کردند. حضرت زهرا محل انتشار و انشعاب فیض رحمت خدا به هستی است، ام‌الائمه است؛ مادر همه امامان. وجود ائمه اطهار از وجود ایشان منشعب شده و این جایگاه اختصاصی حضرت زهرا در نظام خلقت است.



## نگاهی به کارنامه تعدادی از زنان موفق مسلمان که در عرصه جهانی درخشیدند

## با حجاب بر فراز قله‌ها

🔗 می‌گویید یکی از شاهزاده‌های تزاری برای کشف علت پیشرفت اروپایی‌ها و عقب افتادن روس‌ها سفری به این ممالک کرد. بعد از جست وجو و مشاهدات و تاملات فراوان تفاوت اصلی ملل اروپایی با روس را که سبب پیش افتادن آنها شده کشف کرد و آن هم چیزی نبود جز این که اروپاییان ریش‌شان را می‌تراشند و روس‌ها نمی‌تراشند! شاید این داستان مضحک باشد اما واقعیتی که سال‌هاست رسانه‌های دنیا در مورد حجاب زنان به خورد مخاطبان خود می‌دهند از همین دست است که اگر زنان می‌خواهند بر قله‌های دانش و موفقیت بایستند، باید حجاب را کنار بگذارند. رد این حرف خیلی استدلال نمی‌خواهد فقط کافی است به فهرست بلندبالای زنانی اشاره کرد که با حفظ حجاب و سنت‌های جامعه خود به موفقیت‌های بزرگ در جهان دست یافتند.

### سهیلا سامی، جراح نابغه ایرانی

سهیلا سامی متولد سال ۶۸ است یعنی فقط ۳۰ سال دارد. اما با این سن کم تاکنون ۵۰۰ عمل جراحی مغز و اعصاب داشته! او که دوره زیدتی خود را در مرکز مغز و اعصاب هانوفر آلمان شروع کرد، پیچ و خم جراحی را در کنار پروفیسور سمعی آموخت. شاید مهم‌ترین ویژگی این نابغه جوان که جلب توجه می‌کند محجبه بودن اوست.

سهیلا سامی در خصوص حجاب خود در مصاحبه‌ای گفته است: من با انتخاب و آگاهی حجاب را برگزیدم و این دیگر داخل و خارج از کشور ندارد. او در پاسخ به این

ول کن قضیه نشوی و همچنان دنبال اسم نویسنده بگردی آخرش می‌فهمی کتاب نوشته جعفر صالحان است.

نویسنده در این کتاب می‌گوید تا دو نفر همسر نشوند زندگی مشترک روی صلح و آرامش را نمی‌بیند. اما این‌که چگونه می‌توان به این همسری رسید سؤالی

### عاشقانه‌های فاطمه و علی

**سکانس اول:** پیامبر مسؤولیت آوردن فاطمه از مکه به مدینه را به علی می‌سپارد. فاطمه سوار بر شتر؛ علی افسار شتر بر دست، پای پیاده.. يك روز، دو روز، سه روز، علی با پاهای خونین و سر و صورت غبار گرفته به مدینه می‌رسد و امانت را به پدر برمی‌گرداند.

**سکانس دوم:** به علی پیشنهاد می‌دهند فاطمه را خواستگاری کند، دست خالی و قلب پر از ایمان، به محضر پدر فاطمه می‌رسد. فاطمه از ماجرا خبر می‌شود، سر به زیر می‌اندازد، سکوت می‌کند، پدر خوشحال می‌شود؛ سکوتش یعنی که رضایت داد.

**سکانس سوم:** شب عروسی شده است. فاطمه مدام زیر چشمی غرق چهره زیبا و معصوم علی می‌شود. ضربان قلبش برای علی به تپش افتاده. شروع می‌کند فی البداهه شعر سرودن در وصف علی:

اضحی الفخار لنا و عز شامخ / ولقد سمونا فی بنی عدنان

افتخار و عزتی والامقام نصیب ما شد و بنی عدنان به بلند مرتبتی رسید:

ثلث العلا و علوت فی کل الوری / و تقاصرت عن مجدک الثقلان

تو به بزرگی رسیدی و از همه آفریده‌ها والاتر شدی و جن و انس از عظمت تو عقب افتادند؛ اعنی علیا خیر من وطا الثری / ذا المجد و الافضال و الاحسان

منظورم علی است، یعنی بهترین کسی که گام بر خاك نهاده، آن کس که دارای مجد و عظمت و احسان و نیکی است:

فله المکارم و المعالی و الحیا/ ما ناحت الاطباء فی الاغصان

قله‌های اخلاقی و بزرگی‌ها و بخشش مختص به اوست تا آن‌گاه که مرغان بر شاخه‌ها به ترنم مشغول باشند

**سکانس چهارم:** پدر، صبح عروسی. رو به داماد: علی جان! فاطمه چگونه همسری است؟ بهترین است، بهترین است، بهترین همراه برای بندگی خدا

**سکانس پنجم:** فاطمه است و خانه‌ای محقر و انباری خالی از آذوقه و بچه‌هایی گرسنه. علی از راه می‌رسد و فاطمه انگار نه انگار که از گرسنگی به خود می‌پپچد. مثل ملکه يك قصر، در را برای علی می‌گشاید و به روی او لبخند عشق می‌زند.

**سکانس ششم:** شهر برای فاطمه زندان شده است. علی تنهاست و فاطمه طاقت دیدن چهره درهم شوهر را ندارد. شب که می‌شود، خانه به خانه می‌رود، در می‌زند، آی همسایه یادت رفت؟! آن روز گرم، در میان غدیر؟!.....

**سکانس هفتم:** آمده‌اند کار علی را یکسره کنند، چه خیال خامی! فاطمه، عاشق بی‌پروای علی مگر می‌گذارد؟! چه خیال خامی!

**سکانس هشتم:** علی در کنار بستر زهرا. دست در دستانش، چشم در چشمانش. - پسر عمو! در طول عمر هرگز به تو دروغ نگفتم و خیانت نکردم و هیچ‌گاه با تو مخالفت نکردم.

- علی: آری ای دختر پیامبر! پناه بر خدا که تو کمترین کار خطایی مرتکب شوی. مرتبه خداشناسی و نیکوکاری و تقوا و خدا ترسی تو بالاتر از آن است که با من مخالفت کرده باشی. مفارقت از تو بسیار بر من گران است.

در رفتن جان از بدن گویند هر نوعی سخن

من خود به چشم خویشان دیدم که جانم می‌رود

**سکانس نهم:** علی بی فاطمه، مدام این شعر را تکرار می‌کند:

کتاکزوج حامۃ فی ایکة / مُتَمَتِّعین بصحّة و شباب

ما مثل يك جفت کبوتر بودیم که نمی‌توانستیم از هم جدا باشیم..... روزگار میان ما جدایی انداخت

**سکانس دهم:** علی، فاطمه، تابوت، دوباره مثل سال‌ها قبل علی فاطمه را، امانت را با سر و صورت غبار گرفته به پدر بر می‌گرداند.

**سکانس آخر:** از سرچشمه عشق علی و فاطمه، تمام پهنه تاریخ به درازای ابدیت سیراب می‌شود. از مدینه و کربلا و شام تا ریزگرهای شلمچه و سنگرهای مشق و همچنان می‌جوشد تا مکه تا ندای اناالمهدی.

است که به‌طور مفصل در متن کتاب به آن جواب داده شده است. در واقع نویسنده سعی می‌کند به مخاطب آموزش دهد چطور رابطه با همسر را تبدیل به پلکانی برای صعود به سمت خدا کند، صعودی که خود باعث نزول آرامش هم بر کانون خانواده می‌شود.

## در روز بزرگداشت مقام زن رفتم سراغ يك مدرس دانشگاه تا از جایگاه زن در نگاه پیامبر اسلام(ص) بگویم

# فاطمه(س) فاطمه است...



گفت: ما توانستیم پادتن‌های ویژه در مقابل اچ‌آی‌وی از شیر گاو بگیریم. ما این پادتن‌ها را آزمایش کرده و در آزمایش‌های آزمایشگاهی دریاقتیم که آنها پادتن اچ‌آی‌وی هستند و مانع تأثیر این ویروس در کل سلول‌های بدن می‌شوند. پادتن‌های ضد اچ‌آی‌وی گرفته شده از شیرگاو همچنین قرار است به‌عنوان يك کرم در بازار عرضه شود تا مورد استفاده زنان قرار بگیرد.

### تاهانی عامر، دانشمند برجسته ناسا



تاهانی عامر، زنی مسلمان با پوششی اسلامی از برجسته‌ترین دانشمندان ناساست. او در مناطق حاشیه نشین قاهره به دنیا آمد، ۱۷ سالگی ازدواج کرد و در همان نوجوانی دست تقدیر او را به آمریکا کشاند. تاهانی در حالی سر کلاس‌های ریاضیات در آمریکا می‌نشست که حتی يك کلمه از زبان انگلیسی بلد نبود اما به برکت لطفی که خدا به

او کرده بود و هوشی سرشار نصیبش ساخته بود، خیلی زود به شاگرد برتر کلاس و در نهایت يك مهندس ایده‌آل تبدیل شد. او کار خود را با ورود به ناسا ادامه داد و هم‌اکنون از دانشمندان برجسته این شرکت فضایی است. تاهانی عامر در یادداشت کوتاهی که در سایت ناسا درباره زندگینامه خود نوشته، می‌نویسد:

همواره سه اصل را در زندگی مهم دانستم‌ام: رضایت خدا، آموزش و تحصیل که کلید بهره‌گیری از فرصت‌هاست و نهایتاً خدمت به مردم با مهربانی و مهرورزی.

هر هفته برنامه‌های آموزشی مرتبط با تحصیل و تخصصم در ناسا را به صورت داوطلبانه برای علاقه‌مندان به انجام می‌رسانم و در کنار همه اینها بخشی از وقت خود را صرف آموزش‌های مذهبی و زبان عربی به کودکان و جوانان مسلمان در مسجد می‌کنم. 🌟

### بهناز حیدرچی و کشف پادتن ایدز

بهناز حیدرچی از محققان سرشناس ایرانی است. وی در همکاری با يك تیم تحقیقاتی از سوی دانشگاه ملیون استرالیا توانست افتخار شرکت در کشف و تولید پادتن ایدز از شیرگاو را به خود اختصاص دهد. مریت کرامتسکی، محقق ارشد این پروژه که نتیجه تحقیقات خود را به عنوان یکی از برندگان برنامه ملی علم تازه ارائه کرده در این رابطه

